

سبک رفتار



حسن، نانا آدریان استیمن

چرا فرهنگ تفکیک زباله از مبدأ در خانواده‌ها جا نیفتاده است؟

بهترین تولیدکنندگان زباله‌ایم!

■ **مهریم ترابی**

دنیا در حال دفن شدن زیر زباله‌های تولید شده به دست انسان است! این یک هشدار برای تمام انسان‌های ساکن روی کره زمین است!اما آیا کسی این هشدار را رنگ خطر را جدی می گیرد؟
برخی کشورها به این موضوع به عنوان یک خطر جدی نگاه می‌کنند و درگیر حل این معضل بزرگ هستند. معضلی که اگر همه دنیا برای رفع آن متحد نباشند و اگر چاره‌ای برای آن نیندیشند کم‌کم روی کره زمین جایی برای زندگی انسان‌ها باقی نمی‌گذارد.
اما ما به کشورهای دیگر کاری نداریم که چه اقداماتی برای دفع زباله‌های خود به خودمان و زباله‌های تولید شده دست خودمان کار داریم یا نه. ما به این معضل چگونه برخورد می‌کنند، به خودمان و زباله‌های خشک و تر که همه با هم در یک جا جمع می‌شوند و در طبیعت رها می‌شوند. زباله‌های خشکی که قابلیت باز یافت دارند و می‌توانند مجدد به چرخه تولید برگردند، اما به دلیل قصور تک تک ما این اتفاق نمی‌افتد.

■ ■ ■ ■

■ **زباله تولید می‌کنیم اما...**

آیا تا به حال به زباله‌هایی که تولید می‌کنیم توجه کرده‌ایم؟ به میزان و نوع زباله‌سازی خود دقت کرده‌ایم؟ در خبرها آمده بود که هر تهرانی روزی نیم کیلو بیش از میانگین جهانی زباله تولید می‌کند! یعنی به طور میانگین روزانه هر تهرانی حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ گرم زباله تولید می‌کند و این در حالی است که میانگین سرانه تولید زباله در دنیا برای هر نفر به طور میانگین حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ گرم است! این خبر برای شهر تهران می‌تواند به تنهایی یک فاجعه باشد. چرا؟ چون همین مقدار تولید زباله آن هم فقط برای یک کلاشهر کافی است! آن کشور را با مشکل بزرگ فرغ آنها مواجه سازد. این خود کم‌مشکلی نیست، اما این تولید زباله فقط مختص شهر تهران نیست.

سبک

فرزندانمان را به تفکیک زباله | بطری پلاستیکی زباله عادت دهیم

■ **حسین گل‌محمدی**

آخرین روز امتحانات پایانی سال تحصیلی است. پسرم با ذوق و شوق از اینکه آخرین امتحان را هم به خوبی داده است با خاتمه بر می‌گردد و تمام کتاب‌ها و دفترهای باز سال تحصیلی را در یک کیسه بزرگ می‌بزند و اتاق خود را خالی از هر کتاب و دفتر درسی می‌کند. کیسه بزرگ و سنگین را که از کاغذ و کتاب پر شده است کشتان کشتان از اتاقش خارج می‌کند و نزدیک در خروجی او دادماند.
تازه در فرصت مناسب به اتاقش در یافت زباله‌های خشک، که به تازگی در محله ما قرار داده‌اند، تحویل دهد. همیشه در گوشه‌ای از آشپزخانه ما یک سطل جدا برای زباله‌های بازیافتی وجود دارد و خانواده ما عادت به تفکیک زباله‌های خشک از تر دارد. فرزندم نیز از کودکی عادت به تفکیک زباله دارد. او حتی گاهی با برش و رنگ آمیزی بطری‌های نوشابه چیزهای قشنگی مثل جامدادی و گلدان در دست می‌کند.

■ ■ ■ ■

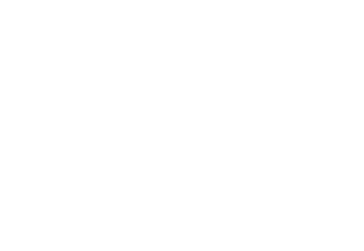
برای نپایه تهن کردن یک عمل خوب و نیکو باید آن را کودکی آموزش داد. همانطور که دوست داریم فرزندانمان انسانی صالح و راستگو باشد و برای رسیدن به این مهم، از همان دوران کودکی با تربیت صحیح آن‌را آموزش می‌دهیم. بقیه موارد را نیز باید از همان کودکی به فرزندانمان آموزش دهیم.
حفاظت از محیط زیست هم از همان دوران با واقع اولین قدم آموزش به فرزندان خود را برداشتیم. البته هر شیروندان هستند که هیچ احساس مسئولیتی برای نظافت و تمیزی شهر و محل زندگی خود ندارند که به نظر می‌آید باید آموزش‌های نظافت شهری و

سبک زندگی

سبک زندگی | ۸۸۹۸۴۷۱



بسیاری از مردم جامعه ما هنوز نمی‌دانند که بطری‌های نوشیدنی، کاغذهای باطله، پاکت‌های باطله، قوطی‌های کنسرو و همچنین کیسه‌های پلاستیکی را با زباله‌های تر در یک سطل زباله با هم نریزند. هنوز این فرهنگ در ذهن و وجود آنها نهادینه نشده است که برای سلامت و بهداشت ششهری کسه در آن زندگی می‌کنند باید چه کار‌هایی انجام دهند



می‌بینم که زباله‌های خشک و تر را از هم تفکیک نمی‌کنند حرص می‌خورم و هر چه هم می‌گویم این کار اشتباه است به هیچ کدام از حرف‌های من اهمیتی نمی‌دهند. تمام این بی‌توجهی مردم به تفکیک زباله‌ها به کم کاری مسئولان در این زمینه بر می‌گردد.
آنها هیچ کار مؤثری در این زمینه انجام نمی‌دهند. هیچ حرکت قابل توجهی در زمینه فرهنگ‌سازی این جریان انجام نداده‌اند و تصور می‌کنم که انجام هم ندهند.
گویا برای مسئولان شهری هم تفکیک زباله اهمیت زیادی ندارد که کاری انجام نمی‌دهند.
یادم است سال‌های دور اولیا شروع فرهنگ‌سازی تفکیک زباله‌ها، سطل‌هایی در محله‌ها قرار داده‌بودند که مردم زباله‌های خشک و تر خود را در آنها قرار می‌دادند، ولی بعد از مدتی همه آنها جمع شد.
مسئولان شهری حداقل کاری که اکنون می‌توانند انجام دهند این است که بر سر هر خیابانی سطل‌های تفکیک زباله را دوباره قرار دهند تا افرادی مثل من که زباله‌های خشک و بازیافتی خود را جدی می‌کنند بدانند آنها را کجا فرار دهند. وقتی در محله ما هیچ سطل تفکیک زباله‌ی وجود ندارد، مردم مجبور می‌شوم کیسه زباله خشک خود را در همان سطلی بیزم که زباله‌های تر را می‌ریزند و اصلاً هم نمی‌دانم چه بلایی سر این زباله‌های خشک می‌آید.
آیا واقعا هنگام خالی کردن این سطل‌های بزرگ زباله، کارگرهای زحمتکش شهرداری کیسه‌های زباله‌های خشک را جدا از بقیه زباله‌ها بر می‌دارند یا همه را با هم داخل ماشین حمل زباله می‌ریزند. در واقع وجدانم نراحت است اما خودم را اینطور آرام می‌کنم که من وظیفه شهروندی خود را درست به جا می‌آورم.
حال مسئولان شهری چه تدابیری برای این وضعیت می‌اندیشند دیگر به من مربوط نمی‌شود.»

به توجه به ایده‌های شهروندی یکی از راه‌های اداره بهتر شهر است و بی‌شک تعبیه مجدد سطل‌های تفکیک زباله در هر محله می‌تواند شروع دوباره فرهنگ‌سازی در این زمینه باشد.

■ **زمین را نابودی می‌کنیم چون مال ماست!**
چه زمانی یاد می‌گیریم که به محیط زیست خود احترام بگذاریم؟ این همه همایش و سمینار، این همه حرکت‌های نمایشی در جهت فرهنگ‌سازی حفاظت از محیط زیست، این همه فیلم‌ها و عکس‌های مختلفی که از حیوانات گرفتار در قوطی و بطری‌های پلاستیکی و شیشه‌ای گرفته شده و در شبکه‌های اجتماعی هم دست به دست چرخیده‌است و همه ما هم آنها را دیده‌ایم اما چه افسوس که فقط آنها را دیده‌ایم و در همان لحظه به حال آن حیوان بیگناه افسوس خوردیم و بس! بدون آنکه حتی برای لحظه‌ای خود را مأمور گرفتاری آنها بدانیم.

خود را مقصر نمی‌دانیم چون شعار ما این است که ما اثرش مخلوقات هستیم و حاکم مطلق زمین! پس هر کاری دلمان بخواهد انجام می‌دهیم چون زمین مال ماست! چشم‌هایمان را باز کنیم.

زمین فقط مال انسان‌ها نیست، زمین برای همه موجودات زنده و حتی گوه‌ها و سنگ‌ها هم است. زمین برای همه نسل‌هاست و ما باید آن را به فرزندان و نسل‌های آینده تحویل دهیم. ما باید



نظام آموزشی کشور با آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم خود می‌تواند تأثیرات شگرفی بر میلیون‌ها نفر از جمعیت کشور بگذارد و با هر گونه برنامه‌ریزی صحیح نیز می‌تواند قدم‌های حفاظت از محیط‌زیست بردارد. در واقع یکی

از این امانتی که به دستمان سپرده شده‌است به خوبی نگهداری کنیم. چه بهتر که زمین و در محل زیست را مانند فرزندان خود بدانیم.
چطور حواسمان به تربیت و پرورش فرزندانمان است، چگونه مراقب فرزندانمان هستیم تا امبادا خاری به پایشان برود، خب از محیط زیستمان هم همین گونه باید مراقبت کنیم. اصلاً کار سختی نیست.

■ **ساحل ما و ساحل دیگران**

با یک مقایسه ساده بین ساحل دریای خزر در کشور خودمان و ساحل همین دریا در کشورهای همسایه انگشت حیرت از این همه تفاوت به دهان می‌گیریم. ساحل تمیز و زیبایی که این دریا در کشورهای همسایه دارد و ما نداریم! مگر آنها چه کارهایی برای این تمیزی انجام می‌دهند که ما نمی‌توانیم انجام دهیم. جواب این سؤال خیلی ساده است. آنها محیط‌زیست خود را دوست دارند. آنها دارای فرهنگ محافظت از محیط‌زیست هستند و می‌دانند که نباید این طبیعت‌الهی را با سهل‌انگاری از بین ببرند، اما ما فاقد این فرهنگ هستیم و اصلاً هم هیچ حرکتی برای داشتن آن نمی‌گیریم، اما به واقع چرا ما این فرهنگ را یاد نمی‌گیریم؟ چرا همیشه منتظر هستیم مسئولان کاری برای این فرهنگ انجام دهند؟ چرا هیچ وقت فکر نمی‌کنیم که بخش عمده‌ای از این حرکت فرهنگی سهم ماست و ما خود شروع کنیم.

سبک مراقبت



زباله‌های رها، هدیه ما به دریا

ساحل خزر آنها پاکیزه است

ساحل خزر ما آلوده

■ **کسری محمدیان**

در ایام تعطیلاتی که پشت سر گذاشتیم ما هم مثل اکثر مردم تصمیم گرفتیم سفری به شهرهای شمالی کشور داشته باشیم و از هوا و دریای شمال لذت ببریم. بعد از ساعت‌های طولانی که در مسیر بودیم البته به دلیل ترافیک سنگین، بالاخره به مقصد رسیدیم. بعد از جابه‌جایی وسایل تصمیم گرفتیم به رسم همیشه به دریا سلام کنیم. به کنار آب رفتیم و از نسیم خنکی که می‌وزید لذت می‌بردیم. همانطور که به دریا نگاه می‌کردیم یک شبی در دریا نظرمان را به خود جلب کرد. این شیء نا آشنا با موج دریا بالا و پایین می‌رفت و با هر موج به ساحل نزدیک‌تر می‌شد تا بالاخره به قدری نزدیک شد که توانستیم آن را از آب بیرون بیاوریم. فکر می‌کنید چه چیزی این همه ما را به خود مشغول کرده بود؟ یک جعبه خالی پلاستیکی! این جعبه در دریا چه کار می‌کند؟ یعنی دریا سطل زباله ما شده‌است؟! وقتی به ساحل نگاه کردم احساس بدی به من دست داد. ساحل پر از زباله‌هایی بود که همینطور رها شده بودند. بطری و کیسه‌های چپیس ، پفک و... حالا هم یک جعبه پلاستیکی در دریا! بیچاره دریا! بیچاره ماهی‌های دریا! چقدر انسان‌های خودخواهی شده‌ایم که به هیچ چیز و هیچ کس غیر از خودمان فکر نمی‌کنیم. این دریا با موجودات زنده آن چه گناهی کرده‌اند که چوب بی‌ملاحظگی بعضی از ما را می‌خورند؟!

■ **باید بخواهیم تا آن انجام شود!**
اگر ما دریا، کوه‌ها و دشت‌ها را دوست داریم و از این طبیعت بکر لذت می‌بریم پس باید حواسمان هم بیشتر به همه حرکت‌های نمایشی در جهت فرهنگ‌سازی حفاظت از محیط زیست، این همه فیلم‌ها و عکس‌های مختلفی که از حیوانات گرفتار در

قوطی و بطری‌های پلاستیکی و شیشه‌ای گرفته شده و در شبکه‌های اجتماعی هم دست به دست چرخیده‌است و همه ما هم آنها را دیده‌ایم اما چه افسوس که فقط آنها را دیده‌ایم و در همان لحظه

به حال آن حیوان بیگناه افسوس خوردیم و بس! بدون آنکه حتی برای لحظه‌ای خود را مأمور گرفتاری آنها بدانیم. خود را مقصر نمی‌دانیم چون شعار ما این است که ما اثرش مخلوقات هستیم و حاکم مطلق زمین! پس هر کاری دلمان بخواهد انجام می‌دهیم چون زمین مال ماست! چشم‌هایمان را باز کنیم.

زمین فقط مال انسان‌ها نیست، زمین برای همه موجودات زنده و حتی گوه‌ها و سنگ‌ها هم است. زمین برای همه نسل‌هاست و ما باید آن را به فرزندان و نسل‌های آینده تحویل دهیم. ما باید حفاظت از محیط‌زیست بردارد. در واقع یکی از روش‌هایی که تأثیر بسزایی در کل جمعیت جامعه دارد رویکرد مبتنی بر آگاهی است. این رویکرد منجر به پشتیبانی و گسترش فرهنگ و توانمندسازی جامعه برای حفظ ارزش‌ها و انتقال آن به نسل‌های بعد یا حتی جوامع دیگر هم می‌شود. بدین ترتیب آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جریان آموزش و ایجاد فرهنگ می‌تواند از این رویکرد در جهت توسعه فرهنگ حفظ محیط‌زیست بهره‌برد. نظام تعلیم و تربیت به دلیل تحت پوشش داشتن میلیون‌ها دانش‌آموز و به طور غیرمستقیم خانواده‌های آنها و با توجه به دوران طولانی ارتباط، مناسب‌ترین فضای آموزشی در زمینه فرهنگ‌سازی محسوب می‌شود؛ چراکه آموزش فرآیندی است که افراد جامعه از طریق آن نقش‌ها، قواعد، روابط و به طور کلی فرهنگ جامعه خود را فرامی‌گیرند. بهتر است اینطور بگوییم که با آموزش صحیح به کودکان والدین آنها هم تحت تأثیر این آموزش به صورت غیرمستقیم قرار می‌گیرند و بدین ترتیب فرهنگ‌سازی در جامعه اتفاق می‌افتد.

■ **از خودمان شروع کنیم**

برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست باید از خودمان شروع کنیم و ابتدا هشدارهای مسئولان برای حفاظت از محیط‌زیست را جدی بگیریم. از آب‌ها و منابع آبی رودخانه‌ها، دریاها و سایر منابع، مراقبت و از آلودگی آنها جلوگیری مگر آنها چه کارهایی برای این تمیزی انجام می‌دهند که ما نمی‌توانیم انجام دهیم. جواب این سؤال خیلی ساده است. آنها محیط‌زیست خود را دوست دارند. آنها دارای فرهنگ محافظت از محیط‌زیست هستند و می‌دانند که نباید این طبیعت‌الهی را با سهل‌انگاری از بین ببرند، اما ما فاقد این فرهنگ هستیم و اصلاً هم هیچ حرکتی برای داشتن آن نمی‌گیریم، اما به واقع چرا ما این فرهنگ را یاد نمی‌گیریم؟ چرا همیشه منتظر هستیم مسئولان کاری برای این فرهنگ انجام دهند؟ چرا هیچ وقت فکر نمی‌کنیم که بخش عمده‌ای از این حرکت فرهنگی سهم ماست و ما خود شروع کنیم.